

عمی خان، محمدعلی، ۱۳۵۱ -

تقریب به خداوند در اسلام و مسیحیت / اسماعیل علی خانی، - قم: مؤسسه بوستان کتاب
(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۷
۴۴۷ ص - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۷۰۲)

ISBN 978-964-09-1894-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص. [۴۰۹] - ۴۲۶ همچنین به صورت زیرنویس:

۱. الهی، ۲. خداجویی، ۳. خدا - آموزه‌های کتاب مقدس، ۴. خداشناسی

مسیحیت، الفبا، تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب، بی‌عنوان.

۲۹۷/۸۲

BP ۱۵۹/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۳۰۲۹۴

۱۳۹۷

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۷۰۲

مسئله انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۶۹۲۳

بوستان کتاب

تقرب به خداوند در اسلام و مسیحیت

ارمایل علی خانی





موسسه انتشارات بوستان کتاب

بوستان کتاب

تبیین خداوند در اسلام و مسیحیت

نویسنده: اسداعیل علی‌خانی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مترجم: و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• لیتوگرافی، چاپ، و صحافی: پایگاه چاپ و نشر بوستان کتاب

• توبت چاپ: اول / ۱۳۹۷ • شمارگان: ۱۱۰ • بهای: ۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق محفوظ است

Printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهیدا (اصفهانیه)، ص ب ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۳۷۷۴۴۱۵۵-۷، ۳۷۷۴۴۲۶۰، تلفن پخش: ۳۷۷۴۴۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهیدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷ ناشر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۵۱، ت: ۶۶۹۶

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، ت: ۳۲۲۳۳۶۲۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، ت: ۲۲۲۰۳۷۱

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنجین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهیدا، نبش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۴۱۵۵

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا از سامانه درج شده است

E-mail: info@bustaneketab.com

پست الکترونیک مؤسسه

www.bustaneketab.com جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وبسایت

فهرست مطالب

.....	سخن آغازین	۹
.....	فصل اول: تحلیل معنایی واژگان مرتبط با بحث تقرب به خدا	۱۹
.....	مقدمه	۲۱
.....	۱. معناشناسی	۲۲
.....	۱.۱. سینه و ستایش درباره قرآن	۲۴
.....	۳. تحول معنایی واژه قرآن	۲۴
.....	۴. قرب	۲۹
.....	۵. قرب به خدا	۳۴
.....	۶. فوز و فلاح	۳۸
.....	۷. عند	۴۰
.....	۸. نگاه معناشناختی به «قرب»	۴۱
.....	۹. معنای «اصلی» و معنای «نسبی»	۴۲
.....	۱۰. کلمه کانونی	۴۴
.....	۱۱. تقابل مفهومی	۴۷
.....	۱۲. رابطه دوسویه انسان با خدا	۴۸
.....	۱۳. نگاه به تاریخ	۵۰
.....	۱۴. مراتب قرب	۵۱
.....	۱۵. مراتب قرب غیر ارزشی	۵۳
.....	۱۶. مراتب بعد	۵۴
.....	مفهوم‌شناسی مسیحی	۵۴
.....	۱. عادل‌شمردگی و تقدیس	۵۵
.....	۲. رؤیت سعیده	۵۶
.....	۳. مبارک کردن	۵۷
.....	۴. قدیس	۵۷
.....	۵. شکوه و جلال یافتن	۵۸

فصل دوم: مبانی الاهیاتی تقرب به خدا..... ۵۹

الف) مبانی خداشناختی..... ۶۱

۱. خدای شخصی..... ۶۱

۲. خدای متعال و خدای در دسترس..... ۶۶

۳. خدای پیش‌قدم در ایجاد ارتباط با انسان..... ۷۳

۴. رابطه وجودشناختی..... ۷۴

۵. رابطه از طریق آیات..... ۷۵

۶. رابطه اخلاقی..... ۷۷

۷. رابطه ربوبیت و عبودیت..... ۷۸

۸. خدای به مثابه..... ۸۱

مبانی خداشناختی اختصاصی مسیحیت..... ۸۶

۱. معاد..... ۸۶

۲. فیض..... ۸۷

۳. الاهیات کلی مسیحیت..... ۹۱

ب) مبانی انسان‌شناختی..... ۱۰۶

۱. انسان طرف عهد یا خدا..... ۱۰۶

۲. انسان در مسیر شدن..... ۱۰۸

۳. انسان ضال کمال مطلق..... ۱۱۱

مبانی انسان‌شناختی اختصاصی اسلام..... ۱۱۵

۱. انسان شایسته خلافت خدا..... ۱۱۵

۲. انسان شایسته حمل کردن امانت خدا..... ۱۱۷

۳. پاک‌سرشتی انسان..... ۱۱۸

۴. توانایی انسان برای نیل به کمال..... ۱۲۵

مبانی انسان‌شناختی اختصاصی مسیحیت..... ۱۲۸

۱. آلوده‌سرشتی انسان..... ۱۲۹

۲. ناتوانی انسان برای نجات و قرب، جز با فیض خدا و فدیة مسیح..... ۱۳۲

جمع‌بندی..... ۱۳۳

فصل سوم: حقیقت قرب به خدا در اسلام و مسیحیت..... ۱۴۱

الف) تحول و هجرت..... ۱۴۶

ب) حیات نو..... ۱۵۸

تعالیر اختصاصی تقرب به خداوند در مسیحیت..... ۱۶۹

۱. عادل‌شمردگی..... ۱۶۹

۲. فرزند خدا شدن..... ۱۷۵

۱۷۷	۳. تقدیس
۱۸۷	۴. اتحاد با خدا و مسیح
۱۹۲	حد نصاب قرب به خدا و مقرب بودن
۱۹۷	جمع بندی

فصل چهارم: شاخصه های قرب به خدا..... ۲۰۳

۲۰۵	۱. بحون وجودی و حقیقی
۲۱۴	۲. تشکیکی و ذومراتب بودن قرب
۲۲۴	نکاتی در باب تشکیکی بودن قرب
۲۲۴	الف) اشتدادی بودن قرب
۲۲۷	ب) احاطه مرتبه بالا بر مرتبه پایین
۲۲۸	ج) انس عمل در اختلاف رتبه
۲۲۹	د) مستجابات و اعطاء به میزان رتبه
۲۳۰	۳. اکتسابی و اعطایی بودن قرب
۲۳۹	۴. جمع قرب و بعد در قرب
۲۴۱	۵. جزئی و خارجی بودن قرب
۲۴۱	جمع بندی

فصل پنجم: اسباب نیل به قرب ۲۴۵

۲۴۸	۱. ایمان و عمل نیک
۲۵۶	۲. علم و معرفت
۲۵۹	اسباب تقرب به خداوند در مسیحیت
۲۶۰	۱. فیض و برگزیدگی
۲۶۵	۲. مسیح
۲۹۲	۳. روح القدس
۲۹۳	۴. آیین های مقدس
۲۹۷	بررسی جایگاه اختیار، عمل نیک و شریعت در نیل به قرب مسیحی
۲۹۷	۱. اختیار
۳۰۲	۲. شریعت
۳۰۸	۳. عمل نیک
۳۱۹	جمع بندی

فصل ششم: ابعاد و ره آورد قرب به خدا..... ۳۲۵

۳۲۹	الف) بعد بینشی و معرفتی
-----	-------------------------

۳۳۰	۱. شهود فقر وجودی خویش به خداوند
۳۳۳	۲. علم حضوری به خداوند
۳۳۷	۳. شهود عین‌الربط بودن همه موجودات به خداوند
۳۳۸	ب) بعد گرایی
۳۳۹	۱. انس و محبت
۳۴۰	۲. آرامش و شادی
۳۴۱	۳. رضایت
۳۴۳	۴. خوف و خشیت
۳۴۳	۵. خشوع
۳۴۴	۶. اجابت
۳۴۴	۷. اخلاص
۳۴۵	ج) تعلیمی
۳۴۷	نکات مطرح در بند کشی
۳۵۱	برخی از راه‌آورها و کشی قرب به خدا
۳۵۱	۱. خلافت الهی
۳۶۱	۲. ولایت و قناء
۳۶۶	الف) فنای فعلی
۳۶۷	ب) فنای وصفی
۳۶۸	ج) فنای ذاتی
۳۷۰	۳. ولایت بر هستی
۳۷۳	۴. لقاء الله، رؤیت الهی و رؤیت سعیده
۳۸۵	۵. نورانی شدن
۳۹۷	۶. تأیید، تعمید و دریافت روح القدس
۴۰۱	آخرت، اوج تجلی قرب به خدا
۴۰۱	جمع‌بندی
۴۰۳	جمع‌بندی پایانی
۴۰۹	منابع
۴۲۴	منابع انگلیسی
۴۲۷	نمایه
۴۲۷	نمایه اعلام
۴۳۶	نمایه موضوعات

سخن آخرین

از جمله حقایق مطمح در این و مکاتب فلسفی، کمال و سعادت انسان است. در ادیان توحیدی نیز با این موضوع مواجه هستیم. سعادت انسان با واژگان بسیاری، نظیر «فوز» و «فلاح» و «سعادت» در اسلام و «تدیس» و «اتحاد با خدا و مسیح» در مسیحیت بیان می‌شود. اما این ادیان بر این باورند که سعادت هنگامی حاصل می‌شود که یک انسان بتواند خود را به خداوند نزدیک کند و محبوب و دوستی و مقرب او شود. از این رو، از مهم‌ترین واژگان در این باب، «قرب به خدا» است.

به بیان دیگر، انسان در زندگی دارای اهدافی است، اما یک هدف نهایی را همه ادیان و مکاتب برای انسان در نظر می‌گیرند، هرچند مصادیق این مطلب و هدف نهایی متفاوت است. آن هدف نهایی از منظر اسلام چیزی است که باالمنظره مطلوب انسان است و از آن به سعادت و فوز و فلاح تعبیر می‌کنند. این هدف نهایی چون مطلبی ذاتی است، چون و چرا بردار نیست و نمی‌توان آن را در پرتو مطلوبیت هدف دیگری راجعه کرد.^۱ از منظر قرآن کریم این هدف و مطلوب نهایی، نیل به مقام قرب به خدا و هم‌نشینی در جوار حضرت حق است.

و به بیان دیگر، آنچه در مورد رابطه ویژه میان انسان و خدا، با درجات متفاوت، مطرح است، همان چیزی است که از آن به «قرب به خدا» تعبیر می‌شود.^۲ این قرب دارای

۱. محمد تقی مصباح، اخلاقی در قرآن، ج ۱، ص ۲۸.

2. Louis Dupre, *Unio Mystica: The State and the Experience*, p. 4.

متفاوت است و بالاترین حد آن لقای حق، یعنی عروج به سوی خداوند تجلی حق بر خلق است، که اوج آن را در معراج رسول الله صلی الله علیه و آله در اسلام و ظهور خدا در عیسی (ع) در مسیحیت و درجاتی از آن را در مکاشفات اولیاء الله می‌بینیم.^۱

قرآن و روایات، از مرحله فناى بنده در حق و بقای به حق، و وحدت حاصل از آن، که صفات حق از آن خلق و صفات خلق از آن حق می‌شود، به حالت قرب یاد می‌کنند. عارفان اسلامی اوج آن را قرب نوافل و فرائض می‌دانند و عارفان مسیحی تعبیر اتحاد با خدا را در این زمینه به کار می‌برند.^۲

این نزدیکی شدن انسان از جایگاه و منزلت انسان در برابر حضرت حق دارد و از جایگاه رفیع و حوردار است. در اسلام این منزلت به قدری مهم است که یک مسلمان باید همه اعمال عبادی خویش را به قصد تقرب به خداوند انجام دهد و الا اصل عبادت بی ارزش و ناموفق می‌شود.

بنابراین، از موضوعات مطروحه رابطه میان بندگان با خدای متعال، موضوع نزدیک بودن خداوند به انسان و نزدیک شدن بندگان به خداوند است. بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام بیان‌گر این امر است که انسان می‌تواند و باید به خدا نزدیک شود. این نزدیک شدن به خداوند را می‌توان از دید گوناگون، نظیر جایگاه آن در دین، تأثیر آن در زندگی دنیوی و اخروی، راه‌های تقرب به خدا، عوامل تأثیرگذار در تقرب انسان به خداوند، چستی حقیقت قرب به خدا، حد نصب قرب، شاخصه‌های قرب، ره‌آورد قرب به خدا و ... مورد بررسی قرار داد.

واژه اصلی این بحث «قرب به خدا» است. پرسش این است که دو دین اسلام و مسیحیت، و البته متون مقدس آنها، چه تعریفی از قرب به خدا دارند؟ به کسی را مقرب می‌دانند و این قرب دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است، حاصل و دست‌آورد این نزدیک شدن چیست و در نهایت این که راه نیل به آن کدام است.

بنابراین، پرسش‌های این نوشتار شامل موارد ذیل است: حقیقت «قرب به خدا» از منظر اسلام و مسیحیت چیست؟ آیا مقام قرب، حقیقی و وجودی است یا قراردادی و اعتباری؟

۱. فاسم کاکایی، وحدت وجود، ص ۱۰۶.

2. Union with God

3. Michael Sells, Bewildred Tongue, "The Semantics of Mystical Union in Islam", in: *Mystical Union in Judaism*, p. 87.

آیا این مقام تشکیکی است یا خیر؟ آیا قرب به خدا اکتسابی است یا اعطایی؟ اسباب نیل به قرب چیست؟ ره‌آوردهای این قرب چیست؟ و در نهایت این‌که وجوه اشتراک و افتراق دو دین اسلام و مسیحیت در بحث «قرب به خدا» چیست؟

یک نکته قابل توجه در اینجا این است که، ما به این امر توجه داریم که واژگان در ادیان متفاوت، مختلف و متناسب با ساختار یک دین هستند و هر نظام الاهیاتی دارای عناصر خاص خود است و این عناصر نیز کارکردی خاص دارند. نیز هر نظام الاهیاتی از اصطلاحات خاص خود برای بیان حقایق آن دین استفاده می‌کند و شاید به جرأت بتوان گفت که همه یا بسیاری از واژگان دین یک دین، به‌طور کامل بر همان واژه‌گان از دین دیگر منطبق نیست. به نظر می‌رسد به میان دو دین با باورهای متفاوتش مقایسه و تطبیق کاری دشوار باشد، چرا که بسیاری از باورهای هر دین همانند هم نیست، تا به نتیجه‌ای یکسان منجر شود به عنوان نمونه، واژگان «وحی»، «نبوت» و «نجات» و ... به هیچ وجه در دو دین اسلام و مسیحیت به یک معنا نیستند و هر کدام از بار معنایی خاص سنت خود برخوردارند. و یکی از این عناصر الاهیاتی، جایگاه آرمانی انسان در اسلام و مسیحیت است که لازم‌هاش پرداختن به جایگاه انسان در این دو سنت است. انسان اسلام دارای جایگاهی است و انسان مسیحیت دارای جایگاهی دیگر و به هیچ وجه از یک منزلت و موقعیت برخوردار نیستند. و بنابراین، جایگاه آرمانی انسان در این دو سنت نیز تا حدی متفاوت خواهد بود. اما بر هر حال، با مسامحه می‌توان گفت که در هر دو سنت نزدیک شدن به خداوند و محبوب خداوند واقع شدن از منزلت و جایگاهی رفیع برخوردار است و بنابراین می‌توان سعادتمندی انسان را با همین تعبیر مشترک «قرب به خدا» در این دو دین مورد کنکاش قرار داد.

به هر روی، با بررسی کتاب‌های کلامی و تفسیری و نیز الاهیات اسلام و مسیحیت، به این نکته پی می‌بریم که بیشترین مطالب در باب «قرب به خدا»، تحت عنوان یک موضوع را می‌توان در کتب عرفانی و اخلاقی یافت و بیشترین سخن را عرفا و متصوفه تحت عنوان قرب نوافل و قرب فرائض یا انسان کامل و بحث فناء مطرح کرده‌اند. در این موضوع، در نگاه کلامی و الاهیاتی و تفسیری و حدیثی توجه اندکی را به خود جلب کرده است. از این‌رو عمده مطالب در این باب در کتب عرفانی و اخلاقی و در نهایت در کتب تفسیری و ذیل آیات مربوط به قرب وجود دارد. و در این کتاب‌ها نیز صرفاً به جایگاه قرب الی الله و راه‌های دستیابی به آن اشاره شده است و در واقع پرداختن به قرب مقدمه‌ای برای بحث

دیگر، یعنی نحوه نیل به آن بوده است.

تنها پاره‌ای از نظرات در باب چستی قرب الی الله مطرح شده است، که آن هم در حد نظریه باقی مانده و در هیچ یک از این موارد خود قرب و چستی آن به صورت جدی از سوی قرآن کریم مورد توجه قرار نگرفته است.

به هر حال می‌توان گفت که هر چند در آیات و روایات اسلامی سخن در این باب بسیار است، و هر چند در رشته‌های دیگر علوم اسلامی، مانند عرفان بحث‌های مهمی درباره قرب الی الله، انواع آن و راه‌های دستیابی به آن صورت گرفته است، در علم کلام و تفسیر، بی‌شک علوم که جایگاه اصلی این موضوع است، جایگاه شایسته خود را ندارد.

در بسیاری از کتاب‌های عرفانی، نظیر *تقاة النصوص جامی*، *فتوحات المکیة* ابن عربی، مقدمه قیصری به *موضوع الحکم* و ... این موضوع تحت عنوان «قرب نوافل و فرائض» و «انسان کامل» مطرح شده است. در کتب عرفان عملی، به‌ویژه کتب دوره‌های اخیر نیز، نظیر *رساله لقاء الله* مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و *رساله الولاية* علامه طباطبایی و چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) به سیر عملی انسان به جانب خداوند، که در نهایت به قرب به خدا منجر می‌شود، اشاره و توضیحات بسیاری دیده می‌شود.

برخی از نویسندگان نیز اصل چستی «قرب به خدا» را مورد توجه قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، مرحوم مجلسی در *مرآة العقول و عین الحیاة* در حد اختصار، آن هم بیشتر از منظر روایی، بحث قرب الی الله را طرح کرده و تعریف آن قرب ارائه می‌دهد. از نویسندگان معاصر نیز کسانی به تعریف چستی «قرب به خدا» پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، استاد مطهری در کتاب *ولاءها و ولایتها*، به مناسبت بحث ولایت در عرفان و تشیع، اندکی به موضوع تقرب به خدا پرداخته است. همان‌طور که در *انسان کامل و تکامل اجتماعی انسان* نیز بحث را از منظری دیگر دنبال کرده است. نیز، استاد مصباح یزدی در کتاب *خودشناسی برای خودسازی و به سوی خودسازی*، تعریفی از «قرب الی الله» ارائه می‌دهد که بیشتر با نگاه روایی آن را تثبیت می‌کند.

در مسیحیت نیز این بحث را باید در کتاب‌های دارای رویکرد اشراقی و عرفانی جست. به عنوان نمونه، آگوستین، الهی‌دان معروف مسیحی و نیز بوناوتورا،^۱ قدیس و الهی‌دان قرن

سیزدهم میلادی، از کسانی هستند که در کتاب‌هایی نظیر *اعترافات*^۱ و *سفر روح به سوی خدا*^۲ در این زمینه مطالب درخور توجه طرح کرده‌اند؛ هر چند بوناوتورا در *سفر روح به سوی خدا* راه‌ها و مراحل سیر روح به سمت ملکوت را بررسی کرده است.

از جمله کسانی که رویکرد اشراقی نیز ندارند، اما به این بحث تحت عنوان «رؤیت سعیده»^۳ و ... توجه کرده‌اند، آکویناس، الهی‌دان دارای رویکرد فلسفی در *جامع‌الاهیات*^۴ است. وی در چند جای این کتاب به مناسبت، به رؤیت سعیده، ثمرة غایی قرب در مسیحیت و راه‌های دستیابی به آن اشاره می‌کند. افرادی نیز در کتاب‌های عرفان عملی ابجدی این بحث را مطرح کرده‌اند، نظیر کلیفتون ولترز^۵ در *ایرنا دانی*،^۶ و والتر هیلتون^۷ در *نردبان‌های آسمان*، جان کلامکیوس^۸ در *نردبان صعود الاهی*،^۹ دیوید پترسون^{۱۰} در *مملوک خدا*،^{۱۱} توماس کمپیس^{۱۲} در *تشبه به مسیح*^{۱۳} و نیز در برخی از دائرة المعارف‌های مرتبط با کتاب مقدس و ایمان، مانند مجموعه مقالات کتاب مقدس آکسفورد و دائرة المعارف نیوکاتولیک و دائرة المعارف دین مریچا الیاده، می‌توان ابعادی از بحث را یافت. بخشی از مطالب مربوط به این موضوع را نیز می‌توان در تفسیرهای کتاب مقدس جست، نظیر تفسیر کتاب المقدس، نوشته گروهی از الهی‌دانان مسیحی، «*The New Jerome Biblical Commentary*»، نوشته جیوفرز چاپمن،^{۱۴} «*The Interpreter's Bible*»، نوشته جورج آرتور^{۱۵} و

البته توجه به یک نکته بایسته است و آن این که عرفان مسیحی تا حد زیادی با کتاب مقدس عجین و با الهیات نزدیک است. زیرا شاید بتوان گفت که مسیحیت بُعد عرفانی و

1. *confession*
2. *journey of mind into God*
3. *Beatific Vision*
4. *Summa Theologia*
5. *Christian Mystics*
6. *The cloud of unknowing*
7. *Walter Hilton*
8. *The ladder of perfection*
9. *John Climacus*
10. *The ladder of divine ascent*
11. *David Peterson*
12. *Possessed by God*
13. *Thomas A Kempis*
14. *Imitation of Christ*
15. *Geoffrey Chapman*
16. *George Arthur*

معنوی دین یهود بود. بنابراین، هر چند غالباً باور بر این است که عرفان متأخر مسیحی به لحاظ فلسفی ریشه در فلسفه نوافلاطونی دارد، اما ویژگی خاص آن وابستگی به کتاب مقدس است. همه چهره‌های ممتاز عرفان مسیحی «مسیحیان کتاب مقدس» هستند. از سوی دیگر، عرفان مسیحی ریشه در تاریخ پیش از مسیحیت دارد. بی‌شک مسیحیت دینی عرفانی را با رویکردی عرفانی بود و هست و البته این عرفان تاحدی در تعالیم عهد عتیق، ویژه کتاب‌های انبیا، و شاید خصوصاً مزامیر داوود در باب داشتن تجربه بی‌واسطه از خداوند، ریشه داشت باور به ارتباط مستقیم با خدا ویژگی عهد قدیم است.^۲

به هر روی، یکی از دو سنت بزرگ تغذیه‌کننده حیات باطنی در مسیحیت، از بخش نوشته‌های یوحنا در عهد جدید و نیز تجربه‌های پولس متأثر است و طلیعه‌های سنت دوم، یعنی مکتب نوافلاطون مسیحی را نیز باید در آبای اولیه کلیسا، به ویژه کلمنس اسکندرانی و شاگردش اوریگن، که تأریخاً ماصر افلوطن است، جست‌وجو کرد.

به هر روی، این بحث دارای روش‌ها و رویکردهای متفاوت است و از منظرهای گوناگون می‌توان به آن پرداخت. رویکردهای نظیر رویکرد عرفانی، فلسفی، کلامی، کتاب مقدسی و ... رویکرد ما در این نوسر کتاب مقدسی و الهیاتی است و برآنیم که نظر قرآن کریم و عهد جدید را در باب قرب به خدا جویا شویم. بنابراین، واضح است که در اینجا به دنبال بحث اصطلاحی «قرب الی الله» که به ویژه در عرفان اسلامی تحت عنوان قرب نوافل و فرائض مطرح است، نیستیم، هرچند اشاره‌ای مختصر به آن نیز خواهیم داشت.

ما در این نوشتار پرسش‌های این بحث را از منظر مکتب مقدس اسلام و مسیحیت و تصورات برآمده از آنها در زمینه این بحث مورد توجه قرار می‌دهیم. دیدی نیست که هر یک از دو دین اسلام و مسیحیت در دوره‌های پس از شکل‌گیری متون مقدس مربوط به خود، با تحولاتی در الاهیات و مفاهیم دینی مواجه بوده‌اند. دوره‌هایی مانند دوره آباء کلیسا، شوراهای جهانی و سپس فلسفه مدرسی در مسیحیت و دوره شکل‌گیری علم کلام و سپس فلسفه در عالم اسلام. این نوشتار در صدد پرداختن به این حوزه‌ها نیست، اما باید به تأثیر آنها در این موضوع توجه داشته باشیم.

دیگر این‌که نوع نگاه دو فرقه کاتولیک و پروتستان به الاهیات و نیز خود کتاب مقدس

متفاوت است. در کلیسای کاتولیک آنچه مهم است و حرف اول را می‌زند، کلیسا و الهی‌دانان آن است و کتاب مقدس بدون اظهار نظر و تفسیر کلیسا قابل استناد و ارجاع نیست. به بیان دیگر، مفسر و مبین کتاب مقدس کلیسا است، از این‌رو آموزه‌های مختلف مطرح در کتاب مقدس را باید از منظر دیدگاه رسمی کلیسا جست. این فرقه هر چند به کتاب مقدس نیز احترام و توجه دارد، اما نظر رسمی مسیحیت در مورد آموزه‌های دینی و الهیاتی را کلیسا اعلام می‌دارد. اما در پروتستان، تأکید اصلی بر کتاب مقدس و ظاهر آن است و هیچ تفسیری برتر از ظاهر خود کتاب مقدس نیست. به همین دلیل آنان آموزه‌های الهیاتی مستقیم از کتاب مقدس اخذ می‌کنند و به کسی اجازه نمی‌دهند که قیم و مبین کتاب مقدس باشد.

شیوه بحث نیز می‌تواند به دو صورت باشد: یا این‌که مستقیم به قرآن و کتاب مقدس رجوع نموده و از آیات مربوط به قرب، چستی قرب به خدا را استخراج کنیم این‌که نخست چند تبیین را در باب پرستی قرب مطرح و به قرآن و کتاب مقدس عرضه کنیم و سپس از قرآن و کتاب مقدس به یک یا چند تبیین تبیینی جامع، که بیشترین و بهترین مؤید را از آنها می‌یابد، به عنوان تبیین برگزیده ابداع نماییم، که چنین خواهیم کرد.

بنابراین محور اصلی بحث در اسلام، قرآن کریم است. اما از آنجا که روایات اسلامی برای مسلمانان به مثابه سنت و متن مقدس در درجه دوم از اهمیت برخوردار است و از آنجا که روایات مفسر قرآن هستند، به روایات اسلامی نیز خواهیم پرداخت. تفاسیر مهم اسلامی نیز محور دیگر بحث خواهند بود. در گزینش این تفاسیر و مفسران سعی خواهد شد از تفاسیر مهم همه فرقه‌های اصلی و گرایش‌های مهم فکری استفاده شود.

در مسیحیت نیز بحث از متن مقدس مسیحی، یعنی عهد جدید آغاز می‌شود. البته در اینجا نیز از دیدگاه برخی از شخصیت‌ها، که در تفسیر آموزه‌های مسیحی نقل محوری داشته‌اند، استفاده می‌شود. پیداست که سخن مفسران و الهی‌دانان تأثیرگذار بر سنت مسیحی را باید مد نظر داشته باشیم، زیرا مسیحیت آیینی است که، دست‌کم برخی از آموزه‌هایش، نظیر فیض و برگزیدگی و تثلیث و ... به تدریج و توسط الهی‌دانان و آباء کلیسا شکل گرفته است. معیار در گزینش این شخصیت‌ها دو امر است: یکی این‌که محور اندیشه‌های آنان کتاب مقدس باشد، یعنی آنان با توجه به کتاب مقدس اندیشه‌های خود را سامان بخشیده باشند. دیگر این‌که آنان صرفاً مبین و مفسر اندیشه‌های پیشین نباشند، بلکه خود نیز سخن

جدیدی مطرح کرده باشند. بنابراین آنچه در این بحث مورد توجه قرار می‌گیرد دیدگاه رسمی و مورد تأیید کلیسای کاتولیک در طول تاریخ مسیحیت است، هر چند در مواردی به گرایش ارتدکس و پروتستان نیز اشاره‌ای خواهد شد.

درباره مسیحیت اشاره به چند نکته مقدماتی دیگر نیز ضروری است. نخست باید به این نکته توجه داشت که، عهد جدید به لحاظ الاهیاتی به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول، انجیل هم‌نوا^۱ و برخی از نوشته‌های الاهیاتی دیگر است، که هماهنگ و همسو با الاهیات یهود و ظاهر عبارات‌های عهد قدیم است. بخش دوم، نامه‌های پولس و انجیل یوحنا و نامه‌های او است.^۲ الاهیات هم‌نوا ارائه می‌دهد که هیچ سنخیتی با الاهیات یهودی و عهد قدیم ندارد.^۳ در الاهیات پولسی - به سببی رابطه انسان با خدا، مانند بسیاری از اصول دیگر الاهیات، مخصوص به خود است و در واقع با کل نظام الاهیاتی این بخش هماهنگ است.^۴

مسیحیت از دل یهودیت سر بر آورد، همان‌که بودیسم از دل هندوئیسم. یکی از ویژگی‌های مسیحیت این است که کتب مقدس یهودی را پذیرفت و در بسیاری از باورها خود را با یهودیت همراه دانست. الاهیات و انسان‌شناسی از دل مسیحیت سر بر آورد که تفاوتی بنیادین با الاهیات و انسان‌شناسی یهودیت نیست. در این الاهیات انسان ذاتاً گناه‌کار به دنیا می‌آید و عیسی پسر فرورستاده خدا برای نجات بشر است. این انسان‌شناسی و الاهیات از آن کسانی همچون یوحنا و پولس است. پولس بر این باور است که این سری بوده که تا پیش از او برای کسی فاش نشده است.^۵

از سوی دیگر، این الاهیات تا حدی متفاوت از الاهیات انجیل هم‌نوا است. الاهیات و به دنبال آن انسان‌شناسی انجیل هم‌نوا و برخی از نوشته‌های دیگر الاهیاتی همسو با

۱. سه انجیل متی، مرقس و لوقا را، که به لحاظ الاهیاتی به هم نزدیک هستند، «انجیل هم‌نوا» نامند.

۲. ر. ک: جان بی‌ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۶۱۷ - ۶۱۴؛ الیاس یولس، یسوع المسیح، ص ۱۸ - ۱۷؛ جوان آگرییدی، مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۴۷ - ۴۲؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۶۸۹.

۳. عبدالرحیم سلیمانی، سرشت انسان در اسلام و مسیحیت، ص ۸۳.

۴. در واقع خدا مرا فرستاد تا به کلیسای او خدمت کنم و راز بزرگ او را برای شما غیر یهودیان بیان نمایم. او این راز را قرن‌ها از انسان‌ها مخفی نگه داشته بود، اما اکنون اراده نموده تا آن را برای آنانی که او را دوست می‌دارند و برای او زندگی می‌کنند، آشکار سازد... راز خدا این است: مسیح در وجود شما، تنها امید پر شکوه شماست» (کولسیان، ۱: ۲۷ - ۲۵)؛ «این نجات رازی بود که حتی انبیا نیز از آن آگاهی کامل نداشتند، هر چند درباره آن در کتب خود می‌نوشتند، اما مسائل زیادی وجود داشت که برای ایشان مبهم بود. آنان قادر نبودند درک کنند که روح مسیح در وجودشان از چه سخن می‌گوید» (اول پطرس، ۱: ۱۱ - ۱۰).

الاهیات یهود است. البته این دو بخش از الاهیات مسیحی در مواردی نیز با هم سنخیت دارند، اما رویکرد کلی بحث در این دو الاهیات متفاوت است.

نکته دیگر این‌که، انسان‌شناسی و کل نظام الاهیات مسیحی، با تلاش پولس برای منزوی کردن حواریون و در رأس آنها پطرس و غلبه این رویکرد در همان سده‌های نخست مسیحی و تداوم و تثبیت آن پس از سده‌های نخست، بر این نظام متمرکز شد.^۱ حتی دور از واقعیت نیست اگر، مانند بسیاری از نویسندگان جدید مسیحی، بگوییم که مسیحیت برای دو مؤسس بوده است و پولس را مؤسس دوم این دین بدانیم^۲ و بنابراین تصویر پولسی را بر روی رسمی مسیحی بدانیم؛ هم‌چنان‌که خود نیز ادعایی در این باب دارد.^۳

به این حال، ادیاتی که به صورت الاهیات رسمی مسیحیت مطرح شد و امروزه نیز کلیسای کاتولیک و همان استوار است، الاهیات پولسی است. از این‌رو، ما نیز بحث را از منظر دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک دنبال خواهیم کرد، هرچند در مواردی به دیدگاه‌های دو فرقه ارتدکس و پروتستان نیز اشاره خواهیم کرد.

در نهایت، باید به این امر توجه داشت که در مسیحیت، قرب به خدا غیر از مسأله «نجات» است. نجات موضوعی همگانه است و هر کس مسیح و پیامش را بپذیرد، اهل نجات است، اما مقرب درگاه خداوند و شبیه مسیح نیست. به بیان دیگر، نجات مقدمه کمال و قرب و مقدم بر آن و لازمه است به خود قرب هیچ کس بدون نجات از گناه نخستین نمی‌تواند وارد مسیر قرب به خدا شود. از سبب دیگر، ممکن است کسی نجات یابد اما باز گمراه شود و به مقام تقرب دست نیابد.

در نهایت این‌که، امروزه یکی از موضوعات مطرح در ادیان، کاربردی کردن موضوعات الاهیاتی و ارائه تعریفی ملموس و عامه‌فهم از این امور است. مسائلی که در ادیان توحیدی مطرح می‌شود، بحث نزدیک شدن به خداوند و انجام اعمال برای این هدف است، اما این‌که این نزدیکی چیست و به چه کسی مقرب می‌گویند و از چه راهی

۱. همان، ص ۸۵.

۲. ر. ک: جان بی. ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۶۱۴ - ۶۱۳؛ جوان گریزی، مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۴۷. هرچند برخی نیز مسیحیت کنونی را دارای دو مؤسس دانسته، پس از پولس، آگوستین را دومین مؤسس آیین مسیحی می‌دانند. ر. ک: آلستر مک‌گراث، درسی‌نامه الاهیات مسیحی، ص ۲۲.

۳. «در واقع خدا مرا فرستاده تا به کلیسای او خدمت کنم و راز بزرگ او را برای شمعان غیر یهودیان بیان نمایم...» (کولسیان، ۱: ۲۵).

شخص وارد حریم قرب به خدا می‌شود، موضوعی است قابل توجه، که نیاز به بررسی متون مقدس و کلام خود خداوند دارد. حقیقت قرب، به صورت مشخص برای همگان واضح نیست و بنابراین انگیزه‌ها را برای این نزدیکی جلب نمی‌کند. با توجه به آنچه در باب پیشینه تحقیق مطرح شد، نگاه تعریف‌گرایانه و کاربردی به ماهیت قرب به خداوند گاهی تازه و راه‌گشا برای این موضوع خواهد بود.

رسوی دیگر، جایگاه و منزلت بالای قرب الی الله در اخلاق و عبادات اسلامی است. این موضوع به قدری در اخلاقیات و عبادات اسلامی مهم است که اخلاق و اعمال بدون این هدف و راه جای نمی‌گیرند و در مواردی حتی به صحت آنها نیز خدشه وارد می‌شود. و نیز، پرداختن به بحث قرب انسان به خداوند می‌تواند گامی در راستای نگاهی دوباره به دین و نیز گامی در راه گفتگوی ادیان توحیدی و یافتن زمینه‌های مشترک برای نزدیکی باشد، که از ضروریات دنیای معاصر است.

به هر روی، این نوشتار در شش فصل سامان یافته است. فصل اول تحلیل معنایی واژگان مرتبط با بحث تقرب به خدا است. فصل دوم به مبانی الهیاتی، اعم از مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی تقرب به خدا می‌پردازد. فصل سوم حقیقت قرب به خدا در این دو آیین را مورد کنکاش قرار می‌دهد. فصل چهارم به شاخصه‌ها و ویژگی‌های قرب به خدا می‌پردازد. فصل پنجم اسباب نیل به قرب را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت، فصل ششم به ابعاد و ره‌آورد تقرب به خداوند خواهد پرداخت. در پایان هر فصل نیز به مقایسه باورهای دو دین اسلام و مسیحیت درباره موضوعات بحث پرداخته خواهد شد.

یک نکته نیز در خصوص آیات و روایات پاورقی‌ها قابل توجه است و آن این‌که از آنجا که هیچ ترجمه‌ای رسای و گویای همه معنای مورد نظر من اصلی نیست، ما اصل همه آیات قرآن کریم و روایات به کار برده شده در متن را در پاورقی ذکر نمودیم تا برداشت و استفاده خود از آیه یا روایت را مورد قضاوت صحیح خواننده قرار دهیم و تا اگر ترجمه گویای مدعا نبود، از طریق اصل آیات و روایت بتوان به آن مدعا دست یافت. هم‌چنان‌که در موارد متعددی، اصل آیات کتاب مقدس را در متن یا در پاورقی ذکر کردیم تا اصل ادعا بهتر مورد تأیید قرار گیرد.